

مطالب نقل شده از آنها می‌تواند در شناخت منابع سیره نبوی به ما کمک شایسته‌ای بنماید.

استاد عبدالمنعم محمودشاکر در کار بزرگی که تحت‌عنوان ابن حجر العسقلانی، مصنفاته و درسه فی منهجه و موارد فی کتابه الاصابه (بیروت، مؤسسه‌الرساله، ۱۴۱۷) انجام داده، در مجلد دوم اثر خویش بعیان منابع الاصابه پرداخته و به صورت موضوعی، کتاب‌های هر رشته‌ای را به صورت مجزا معرفی کرده‌است.

در اینجا ترجمه بخش مربوط به سیره و مغازی برای افزون بر آگاهی‌های موجود در زمینه منابع سیره‌نبوی، در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

\*\*\*

۱- المولد النبوی (ص) ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی (م ۶۷۱):

در دو مورد از این کتاب نقل شده است: ۹۱/۲، ۵۲۲/۱.

۲- السیره الکبری، محمد بن اسحاق المطلی (م ۱۵۱):

در ده مورد از آن اقتباس شده است. در ۲/ ۶۱۴ آمده‌است: روی این اسحاق فی‌الکتاب الکبیر عن هشام بن عروه ۲۰۰، ۱۷۱/۴، ۴۷۰/۵، ۴۹۰، ۵۰۰، ۵۸۴/۷، ۱۴۶/۶، ۶۸۵، ۵۹۸، یا تعبیرهایی مانند روی، وقع، رایت، وجدت. شرح حال ابن اسحاق را بنگرید در: تذکره الحفاظ، ۱/۱۷۲ به بعد. در فهرسه ابن خیر ص ۲۳۲ آمده است: کتاب المغازی و السیر. و در ص ۲۳۳ آمده: کتاب سیره رسول الله. و نک: درسه سیره النبی و مؤلفها ابن اسحاق، بغداد ۱۹۶۵. جواد علی، موارد تاریخ الطبری، مجله المجمع العلمی، ۱۹۵۰/۱-۲۰۱/۲۰۷.

۳- السیره النبویه محمد بن اسحاق المطلی (م ۱۵۱):

موارد اقتباس از آن بسیار فراوان است، اما نامی از کتاب برده نشده. برای نمونه آمده: ذکره ابن اسحاق فی‌البدیرین او اهل الخندق او المهاجرین او الذین حضروا بیعه عقبه. گویا قصد اختصار گویی داشته که نام کتاب را نیاورده است. در چهل مورد با تعبیر السیره النبویه یا سیره ابن اسحاق یا السیره از آن یاد کرده است. برای نمونه بنگرید: ۱/ ۱۵۳، ۶۰۹، ۱۶۹/۲، ۱۳۳/۴ (در این مورد آمده: وجدت یعنی یافتیم). ۴۶۷/ ۵، ۶۷۷، ۳۴۵/ ۵، ۸۶/۷، ۵۲۵، ۱۴/ ۸، ۳۷/ ۱۴، او برروایاتی از ابن اسحاق تکیه کرده که بعد از این، از آن یاد خواهیم کرد. ابن ندیم از آن با عنوان السیره و المبتدا و المغازی یاد کرده است.

۴- تهذیب السیره النبویه او مختصر السیره ابو محمد عبدالملک المصری ابن هشام (م ۲۱۸):

در موارد مختلفی از آن استفاده شده و نام‌های مختلفی برای آن یاد شده است؛ مانند تهذیب السیره (۴۰/۳)، کتاب ابن هشام (۷۴/۱)، السیره النبویه اختصار ابن هشام (۴۷۰/۵)، ۷۵۳/ ۷، ۵۹۸)، زیادات ابن هشام فی السیره (۴۶/۷، ۳۷۶/۶، ۵۰۵، ۱۴۰/۸)، مقصود از زیادات ابن هشام، افزوده‌های او بر روایاتی است که یکانی و ابن بکیر و دیگران از ابن اسحاق نقل کرده‌اند. نیز نک: فهرسه ابن خیر، ص ۲۳۳، المعجم المفهرس ابن حجر، برگ ۲۷ الف. در آنجا این عنوان آمده: کتاب السیره النبویه تهذیب ابن هشام من السیره الکبری لابن اسحاق. پس از آن سندش برای روایت آن درج شده‌است.

۵- الترجمة النبویه محمد بن سعد (م ۲۳۰):

مقصود همان است که در ضمن کتاب طبقات الکبری آمده است و بحث آن در ذیل ردیف کتاب‌های ترجمه (در همین کتاب یعنی کتاب ابن حجر العسقلانی، مصنفاته و درسه فی منهجه) آمده است.

۶- السیره العادله محمد بن عمران المرزبانی (م ۳۸۴):

تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۱۸۵/۷.

۷- السیره النبویه شرف الدین الدمیاطی (م ۷۰۵):

تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۴۰۴/۲.

۸- السیره النبویه؟:

نام مؤلف یاد نشده است. قبل و بعد از آن هم چیزی که بتوان از آن نشانی به دست آورد نیامده‌است. در مورد نقل شده (۱۷۰/ ۶) آمده است: «این معبد غیر از معبد فرزند ام معبد است چه در السیره النبویه آمده است که معبد خزاعی...». این در حالی است که تمامی کتاب‌های سیره، معبد و مادرش را یاد کرده‌اند. همچنین اشاره به السیره شده، اما از مؤلف آن یاد نشده است. ذکر فی السیره، ۲۴۰/۶. چه بسا بر این حمل شود که مقصود تاریخ سیره النبی (ص)

## سیره‌های نبوی مورد استفاده ابن حجر

### در کتاب

# الاصابه فی تمییز الصحابه

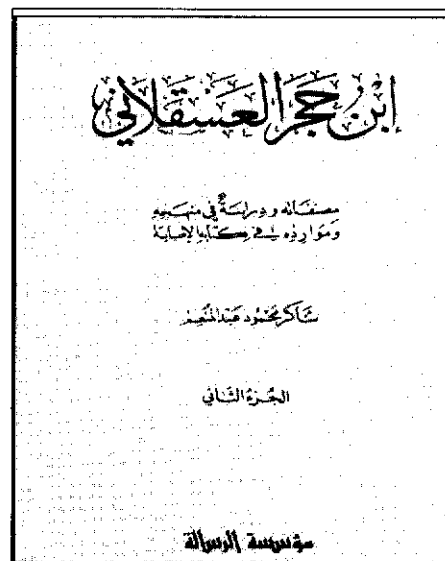
• تالیف: عبدالمنعم محمودشاکر

ترجمه: رسول جعفریان

بدون تردید کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه مفصل‌ترین و جامع‌ترین اثری است که درباره شناخت اصحاب پیامبر (ص) نگاشته شده است. مؤلف آن، نویسنده برجسته اهل سنت شهاب الدین احمد بن علی معروف به ابن حجر عسقلانی (۷۷۳ - ۸۵۲) است که از وی آثار فراوانی در حدیث و فقه و شرح حال برجای مانده‌است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ابن حجر آن است که وی در شمار آخرین افرادی است که از میراث مکتوب برجای مانده از دوران نخست اسلامی در پایان عهد مملوکی استفاده کرده و به همین دلیل، بسیاری از کتاب‌هایی که در دسترس وی قرار داشته، پس از آن برجای نمانده است. ابن حجر در استفاده از این کتاب‌ها، تلاش زیادی کرده و با اشاره به نام آنها، بخش‌هایی از آنها را برای ما نگاه داشته است.

در این میان، الاصابه از این جهت بسیار ممتاز بوده و از حدود ۹۴۰ کتاب که در زمینه حدیث تاریخ، تراجم ادبیات بوده مطالبی نقل کرده که برای اطلاعات کتابشناسی ما بسیار سودمند است. بخشی از این آثار درباره «سیره نبوی» و مغازی است که تقریباً شامل پنجاه عنوان کتاب می‌شود. برخی از این سیره‌ها مفقود شده و نام‌ها و



به طور عام است بوده و کتاب خاصی در نظر نیست. از این قبیل است. و القصة بذلك مشهوره فی السیره، ۶ / ۵۲۵.

۹- السیره الشامیه؟

تنها در یک مورد مطلبی از آن نقل شده (۲۱ / ۷) و نامی از مؤلف آن به میان نیامده است.

۱۰- السیره النبویه محمدین محمدین محمد ابن سیدالناس ابوالفتح الیعمری (م ۷۳۴):

از آن در یک مورد نقل شده است (۱ / ۴۳۷). این کتاب با عنوان عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمال و السیر چاپ شده است. مکتبه القدس، ۱۳۵۶ ق نیز نک: المعجم المفهرس (ابن حجر) برگ ۲۹ الف، ۱۷۵ الف. شرح حال او را بنگرید در: تذکره الحفاظ، ۴ / ۱۵۰۳.

۱۱- السیره النبویه عبدالغنی المقدسی:

تنها در یک مورد از آن نقل شده است (۴ / ۵)، نیز نک: المعجم المفهرس، برگ ۱۷۵ الف. الاعلان بالتبویخ، ص ۱۶۱

۱۲- السیره النبویه ابن کثیر (م ۷۷۴):

در ۳ / ۲۸۱ از آن نقل شده و مقصود از این عنوان، بخش سیره کتاب البدایه و النهایه ابن کثیر است.

۱۳- الروض لاتفه ابوزید ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله السهیلی (م ۵۸۱):

از این کتاب در سه مورد نقل شده است: ۲ / ۲۷۳، ۴ / ۴۵۴، ۶ / ۳۲۶. این کتاب شرح سیره ابن هشام است. نیز نک: المعجم المفهرس، برگ ۱۷۵ الف

الاعلان بالتبویخ، ص ۱۵۸

۱۴- شرح السیره ابو محمد عبدالکریم بن عبدالنور حلبی (م ۷۳۵):

در دو مورد از آن نقل شده است: ۲ / ۹۱، ۷ / ۸۸. نام کتاب العذب الهنی می باشد. بنگرید: معجم المفهرس، برگ ۱۷۵ الف. الاعلان بالتبویخ، ص ۱۶۱، تذکره الحفاظ، ۴ / ۱۵۰۲

۱۵- الترجمة النبویه تالیف بعض من جمع رجال العمده:

این کتابی جزئی از یک اثر بوده که دقت ابن حجر را در اشاره به منابعش در الاصابه نشان می دهد. عبارت الاصابه این است: ذکرها بعض من جمع رجال العمده للحافظ عبدالغنی فاورد فی اول الكتاب شیئا من الترجمة النبویه، ۷ / ۵۴۰.

۱۶- دلائل النبوه احمد بن عبدالله ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰):

در پانزده مورد از آن نقل شده است: برای مثال ۱ / ۵۸، ۱ / ۳۵۳، ۲ / ۶۳۶، ۳ / ۲۶۰، ۴ / ۵۶۶، ۵ / ۷۰۴، ۶ / ۶۰۰ در بیشتر موارد اشاره شده که ابونعیم مطلب را از ابن اسحاق یا واقفی گرفته است. سخاوی در الاعلان ص ۱۶۶ از این کتاب یاد کرده و کتاب یاد شده در سال ۱۹۵۰ در حیدرآباد چاپ شده است.

۱۷- دلائل النبوه عبدالله بن محمد ابوبکر ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱):

تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۱ / ۳۷۷. نک: الاعلان، ص ۱۶۷.

۱۸- دلائل النبوه محمد بن اسحاق ابن منده (م ۳۹۵):

در دو مورد از آن نقل شده است: ۲ / ۴۰۳، ۶ / ۱۶۰. نک: الاعلان، ص ۱۶۶.

۱۹- دلائل النبوه احمد بن حسین ابوبکر بیهقی (م ۴۵۸):

در چهل و دو مورد از آن نقل شده است: ۱ / ۱۷۴، ۱۹۲، ۵۲۱، ۲ / ۹۱۳، ۳ / ۵۵۳، ۴ / ۹۳، ۵ / ۷۰۴، ۶ / ۱۰۴، ۷ / ۶۰۸، ۸ / ۲۶۵، ۹ / ۳۴۱. سخاوی در الاعلان ص ۱۶۷ از کتابهای دلائل یاد کرده و این اثر را بهترین آنها دانسته است. نیز نک: المعجم المفهرس، برگ ۲۸ الف.

۲۰- دلائل النبوه محمد بن سلیمان الهروری:

تنها در یک مورد از آن نقل شده آن هم از طریق ابونعیم با این عبارت: اخرج ابونعیم فی الصحابه ثم اخرج من طریق محمد بن سلیمان الهروری انه قال فی کتابه دلائل النبوه. (۶ / ۳۲۷).

۲۱- کتاب الدلائل، ثابت قاسم الشریطی:

در پانزده مورد از آن نقل شده است، (مورد نخست در ۱ / ۴۷۸). جز آن که نام مؤلف گاه به صورت مقلوب و تصحیف شده آمده است. در ۴ / ۳۷۸، ۵ / ۷۵۶ ثابت بن قاسم آمده. در ۴ / ۷۶۸، ۵ / ۷۷۵، ۷ / ۵۸۸ قاسم بن ثابت آمده و در ۲ / ۲۷۶، ۱۲۷، ۱۳۱، تعبیر «ورد القاسم فی الدلائل» و در ۸ / ۲۹۵ «ورد ثابت فی الدلائل» و در ۶ / ۵۲۵ «ورد ثابت بن قیس فی الدلائل» آمده است.

۲۲- الشفاء، قاضی عیاض یسعی (م ۵۴۴):

در سه مورد از آن نقل شده است. ۱ / ۳۲۲، ۵ / ۳۳۳، ۵ / ۲۹۷، ۸ - ۲۹۸. این کتاب با عنوان الشفاء بتعریف حقوق المصطفی چاپ شده است. نک: الاعلان،

کتاب الاصابه

کتاب الاصابه

ص ۱۶۹: المعجم المفهرس، برگ ۱۹ الف. روی نسخه مخطوطی از شفاء که در دارالکتب الظاهریه (ش ۸۲۷۷) موجود است، سماع ابن حجر دیده می شود. نک: مخطوطات الظاهریه، تاریخ و ملحقاته، ۲ / ۳۱۰.

۲۳- هواتف الجنان ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱):

در یک مورد از این کتاب نقل شده است: (۲ / ۲۴). عبارت الاصابه در شرح حال حجاج بن علاط (ش ۱۶۲۴) چنین است: «و روی ابن ابی الدنیا فی هواتف الجنان... پس از آن شرحی از اسلام آوردن حجاج و شنیدن آیه از جن را آورده است. نام این کتاب در الاعلان ص ۱۶۵ هواتف ضبط شده است.»

۲۴- هواتف الجنان، ابوبکر محمد بن جعفر الخرائطی (م ۲۲۷):

در شش مورد از آن نقل شده است: ۱ / ۲۹۷، ۲ / ۴۴۲، ۴ / ۴۸۶، ۵ / ۷۵۱، ۶ / ۱۷۶. با تعبیر روی و ذکر از آن نقل شده است. سخاوی در الاعلان ص ۱۶۵ عنوان کامل آن را هواتف الجنان و عجیب ما یحکی عن الکهان ممن بشر بالنبی بواضح البرهان یاد کرده است. نقلهای صورت گرفته، بخشی درباره مولد النبوی (ص) و بخشی مربوط به اخبار کاهنان و جنیان است. نک: معجم المفهرس، برگ ۲۸ الف.

۲۵- اعلام النبوه؟

درباره مؤلف این کتاب مطلبی در الاصابه نیامده، جز آن که در بیشتر مواردی که از آن چیزی نقل می شود، مطلب از ابن عبدالبر نقل شده است. برای نمونه در مورد اول (۱ / ۵۱۷) آمده است: حدیثه فی اعلام النبوه حدیث حسن کذا قال ابن عبدالبر. در ۱ / ۵۸۸ در شرح حال شماره ۱۳۵۵ آمده است: له خبر

● بدون تردید  
کتاب الاصابه  
فی تمیز الصحابه،  
مفصل ترین و جامع ترین  
اثری است که  
درباره شناخت  
اصحاب پیامبر (ص)  
نگاشته شده است.



من مغازی موسی بن عقبه) و در ص ۶۰۲ می نویسد: کذا هو فی بعض النسخ من کتاب موسی بن عقبه. این عبارات نشان می دهد که او مستقیم از کتاب موسی بن عقبه استفاده کرده و نسخه های متعددی از آن را می شناخته است. در ۲ / ۲۴۱ - ۲۴۲ در شرح حال مالک بن عمیل بن اسحاق (شرح حال ش ۶۶۷۸) می نویسد: زبیر بن بکار از او نام برده اما به اسلام آوردن او اشاره نکرده است. همچنین در مغازی ابن اسحاق و واقدی هم یاد از او نشده. پس از آن می نویسد: من غزوه بدر از مغازی موسی بن عقبه را به طور کامل مطالعه کردم اما یاد از مالک بن عمیل ندیدم. ۱۹۴/۷. لازم به یادآوری است که بیشتر نصوصی که ابن حجر از مغازی موسی بن عقبه گرفته، از ابن شهاب نقل شده است. از مغازی موسی بن عقبه در المعجم المفهرس، برگ ۲۷ الف یاد شده. قطعاتی از آن در برلین موجود است. بنگرید: موارد الطبری، مجله المجمع العلمی العراقی، ج ۱، ص ۱۹۵۱۰، ص ۱۵۳ و مجلد ۳، ج ۱، ص ۴۰. زاخو نیز قطعاتی از آن را چاپ کرده است. نیز نک: فهرسه ابن خیر، ص ۲۳۰. ۴۲- المغازی، محمد بن عائد الدمشقی (م ۲۳۴): در بیست و دو مورد از آن نقل شده است. برای مثال: ۵۸۰/۱، ۳۰۰، ۴۲/۲، ۱۷۵، ۵۴/۳، ۱۲۹، ۱۲۳. در آنجا می نویسد: «ابن منده در مغازی ابن عائد روایت کرده است با سندش به ابن عباس، قال». ص ۲۵۰ در اینجا ابن حجر می نویسد: ذکره ابن منده و ساق من طریق مغازی ابن عائد بسنده الی عطاء الخراسانی. افزون بر آن با تعبیرهایی مانند خارج، روی و ذکر ابن عائد در مغازی خود، مطالبی از آن نقل کرده است. نیز بنگرید: ۵/ ۸۴، ۴۳/ ۶، ۶۰۸. ابن حجر جزء منتخبی از آن را خوانده است.

بنگرید: المعجم المفهرس، برگ ۲۷ الف.

۴۳- المغازی، ابن عساکر:

در یک مورد از آن نقل شده است: ۴/ ۵۶. عبارت الاصابه چنین است: ذکر ابن عساکر در مغازی با سائیدنیکه جمع و در هم کرده است. شاید مقصود بحتم مغازی در تاریخ دمشق باشد. نک: الاعلان، ص ۱۶۰.

۴۴- المغازی، ابوالقاسم اسماعیل بن محمد التیمی (م ۵۳۵):

در یک مورد از آن نقل شده است: ۱/ ۱۹۲. عبارت الاصابه چنین است: قال ابو موسی: ذکر الامام ابوالقاسم اسماعیل - یعنی شیخه التیمی، فی المغازی. شرح حالو آثار تیمی را بنگرید در: تذکره الحفاظ، ۴/ ۱۲۷۷.

۴۵- المغازی، محمد بن اسحاق (م ۱۵۱):

در یک صد و سی و هشت مورد از آن نقل شده است. برای مثال: ۱/ ۲۹، ۳/ ۵۹۴، ۲/ ۶۴، ۳/ ۵۲۰، ۲/ ۵۲۳، ۴/ ۵۸۵، ۲۸/ ۴، ۵۵۲، ۵/ ۵، ۷/ ۷۹، ۶/ ۲۷، ۷/ ۶۶۸، ۱۴۱/ ۷، ۱۲۲، ۸/ ۵۴، ۲۵۷. دوازده کلمه المغازی الکبیر و المغازی الکبری بکار رفته است (۶/ ۵۰۹، ۸/ ۵۴). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/ ۲۴۶، ۲/ ۳۹۷). یک بار نیز کتاب ابن اسحاق گفته شده است (۴/ ۵۲۷). یک بار هم تعبیر «مغازی ابن اسحاق و مختصرها لابن هشام» بکار رفته است (۱/ ۵۶۸). به نظر می رسد که او روایات و نسخه های مختلفی از ابن اسحاق اعتماد کرده است. برای نمونه در ۳/ ۵۲۱ می گوید: در نسخه ای از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می نویسد: ذکرها ابن اسحاق فی سائر النسخ بلا اسناد. در دو مورد نیز مطلبی را از ابن اسحاق با واسطه نقل کرده است؛ یکی را با استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/ ۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/ ۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی ابن اسحاق در المعجم المفهرس برگ ۲۷ آورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتنا و المغازی را از ابن اسحاق روایت کرده است؛ همان طور که جریر بن حازم (م ۱۷۰) و یحیی بن محمد بن عباد بن هانی آن را روایت کرده اند. کتاب معروف او را نیز زبیر بن عبدالله بکائی عامری (م ۱۸۳) و یونس بن بکر (م ۱۹۹) روایت کرده اند. سخاوی درباره این دومی می نویسد: هر دو کوفی و نخستین آنها موقت تر از دیگری است. بنگرید:

الاعلان، ص ۱۵۸

۴۶- المغازی، یونس بن بکر (م ۱۹۹):

عبارت الاصابه (۱/ ۲۹) این است: قلت الواهم فیه یونس بن بکر و هکذا هو فی المغازی له. موارد دیگری هم از آن اقتباس شده است: ۶/ ۶۲۷، ۸/ ۱۱۱۸، ۳۳۴/ ۱. روشن است که یونس بن بکر یکی از روایان معروف آثار ابن اسحاق است. نک: الاعلان، ص ۱۵۸.

۴۷- زبیر بن مغازی، یونس بن بکر (م ۱۹۹):

عبارت الاصابه (۱/ ۲۹) این است: قلت الواهم فیه یونس بن بکر و هکذا هو فی المغازی له. موارد دیگری هم از آن اقتباس شده است: ۶/ ۶۲۷، ۸/ ۱۱۱۸، ۳۳۴/ ۱. روشن است که یونس بن بکر یکی از روایان معروف آثار ابن اسحاق است. نک: الاعلان، ص ۱۵۸.

۴۸- زبیر بن مغازی، یونس بن بکر (م ۱۹۹):

در بیست و یک مورد از آن نقل شده است. برای نمونه ۱/ ۳۳۲، در ۱۰/ ۳: در آنجا آمده: آخره یونس بن بکر فی زیاده. ۳/ ۴۴۰ در آنجا آمده: ذکرها

یونس بن بکر فی زیادات المغازی. ۳/ ۷۷: آخره یونس بن بکر فی زیاداته عن عثمان بن عبدالرحمن عن الزهري، ۵/ ۴۲۲، ۵۱۵، ۴۳/ ۶، ۶۲۵، ۲۳۶/ ۷، ۴۵۶. در اینجای نویسد: آورده یونس بن بکر فی مغازی ابن اسحاق. ۸/ ۲۵۷.

۴۸- کتاب الدرر فی المغازی و السیر، ابوعمر ابن عبدالبر:

در چهار مورد از آن نقل شده است. در نخستین مورد (۴/ ۸۲) آمده است: ذکر ابوعمر فی السیر له. و بنگرید: ۵/ ۳۷۲، ۳۷۲، ۷/ ۵۸۵. این کتاب با عنوان الدرر فی اختصار المغازی و السیر یا تحقیق شوقی ضیف (قاهره ۱۳۸۶ ق) چاپ شده و با همین عنوان در فهرسه ابن خیر ص ۲۳۲ آمده است.

۴۹- المغازی، محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷):

درسی و هشت مورد از آن نقل شده است. برای نمونه: ۱/ ۴۶، ۲۸۵، ۵۰۶، ۵۸۷، ۲۰۰، ۲۰۰، ۴۶۳، ۴/ ۴۲۱، ۵/ ۷۲۸، ۵/ ۲۸۶، ۶/ ۷۴۳، ۶/ ۴۴، ۷/ ۳۰۱، ۷/ ۲۰۲.

در دومورد ابن حجر به صورت غیر مستقیم از مغازی بهره برده است. در یک مورد نصی را از ابوالسعادات ابن اثیر - برادر ابن اثیر صاحب اسد الغابه - گرفته (۱/ ۲۴۵) و نص دیگر را از ابن شاهین اخذ کرده است (۱/ ۲۴۵).

در بیشتر موارد به گونه ای نقل می کند که نشان می دهد به طور مستقیم از آن کتاب استفاده کرده است. و نیز نگاه کنید: المعجم المفهرس، برگ ۲۷. در میان تألیفات ابن حجر، کتابی نیز با عنوان منتقی من مغازی الواقدی دیده می شود.

کتاب مغازی با تحقیق مارسدن جونز (دانشگاه آکسفورد ۱۹۶۶) چاپ شده است. نیز نک: موارد الطبری، مجله المجمع العلمی العراقی، مجلد ۲، جزء ۱، صص ۴۰ - ۴۱

۵۰- المغازی، عروه بن زبیر (م میان ۹۴ - ۱۰۱):

عبارت الاصابه (۱/ ۲۴۴) چنین است: و کذلک ذکر نحو هذا عروه فی المغازی فی روایه ابن لهیعه عن ابی الاسود عن عروه. ابن حجر در جای دیگری (۳/ ۱۰۴) تصریح بر اقتباس از مغازی عروه دارد. ذهبی در بخش المغازی تاریخ الاسلام، از طریق ابن لهیعه از ابی الاسود، از عروه نقل می کند.

۵۱- المغازی، سعید بن یحیی بن سعید اموی (م ۲۴۹):

در سی و هفت مورد از آن نقل شده است. برای مثال: ۱/ ۱۴۶، ۲/ ۵۹، ۳/ ۴۰۶، ۱۱/ ۶۱۹، ۴/ ۵۰، ۶۰۳، ۵/ ۵۷، ۳۳۷. (در اینجا آمده است: ذکره الاموی فی المغازی لیونس بن بکر)، ۶/ ۱۷۲، ۶/ ۶۰۴، ۷/ ۶۵، ۶۶۴. در مواردی تصریح به مغازی یحیی بن سعید اموی دارد: ۱/ ۱۴۶، ۴۸۸، ۴۹۳، ۶/ ۲۲۵ که به نظر می رسد اسم مقولوب شده و بجای سعید بن یحیی، یحیی بن سعید آمده است. در جایی که ابن حجر سند خود را در روایت مغازی اموی نقل کرده او را سعید بن یحیی اموی نامیده و کتاب را سه جلد دانسته است. نیز نک: المعجم المفهرس، برگ ۲۷. ب. فهرسه ابن خیر، ص ۲۳۷ در آنجا کتاب السیر نامیده شده است. نیز نک: الاعلان، ص ۱۵۷. سعید از پدرش یحیی بن سعید اموی که از خواص ابن اسحاق بوده نقل می کند. نک: تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۲۲۶. از موارد یاد شده چنین به دست می آید که بیشتر روایات اموی به ابن اسحاق بر می گردد.

پانویس:

۱- موضوع این کتاب درباره ناهای جن هاست که اخبار خاصی در ذیل آن وجود دارد و طبعاً ربطی به سیره ندارد. معلوم نیست چرا عبدالمنعم شاکر این کتاب را در ردیف کتابهای سیره آورده است. این کتاب به چاپ رسیده و سیوطی هم تلخیصی از آن کرده و اخبار دیگری بر آن افزوده است. (مترجم)

۲- احتمال زیاد دارد که ابن حجر، بنای نام برن از کتابی با عنوان اعلام النبوه را نداشته و تعبیر به صورت لغوی بکار رفته باشد. مثلاً در مورد نخست می توان عبارت را به فارسی چنین نوشت: حدیث او در موضوع نشان های نبوت حدیث خوبی است. این مطلب را ابن عبدالبر گفته است. بنابر این مطلب یاد شده احتمالاً از یکی از کتابهای ابن حجر - و به احتمال از الاستیعاب نقل شده - و موضوع آن اعلام النبوه می باشد. (مترجم).

۳- شرح حال مفصلی از ابوسعید خردوسی در مجله معارف (دوره پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۷۷) که توسط مرحوم احمد طاهری عراقی نوشته شده، درج شده است. (مترجم)

۴- چاپ بسیار عالی اثر با تحقیق صالح بن محمد الونیان در چهار مجلد توسط دارالمسلم (ریاض، ۱۴۱۸) انجام شده است.

۵- بدون تردید این عنوان، نام کتاب نیست و روشن نیست که چرا مؤلف آن را نام یک کتاب دانسته است (مترجم).

● یکی از مهم ترین ویژگی های ابن حجر آن است که

وی در شمار آخرین افرادی است که از میراث مکتوب برجای مانده از دوران نخست اسلامی در پایان عهد مملوکی استفاده کرده و به همین دلیل بسیاری از کتاب هایی که در دسترس وی قرار داشته، پس از آن بر جای نمانده است

این حجر در استفاده از این کتابها، تلاش زیادی کرده و با اشاره به نام آنها،

بخش هایی از آنها را برای ما نگاه داشته است

● استاد

عبدالمنعم محمود شاکر

در کاربزرگی که

تحت عنوان

«ابن حجر العسقلانی،

مصنفا ته و در اسه فی

منهجه و موارد فی کتابه

الاصابه»

انجام داده، در مجلد دوم

اثر خویش، به بیان

منابع الاصابه پرداخته

وبه صورت

موضوعی، کتاب های

هر رشته ای را

به صورت مجزاً معرفی

کرده است